



قصه «مرغانه پُرد» تا اسطوره‌های می‌رسد

پل تخم مرغی پیرزن

بیرون آمد و پایه‌های پل و موج شکن‌ها را هم دوباره احیا کردند». در گیلان تقسیمات جغرافیایی شهر و روستاها و حتی محلات با رودخانه صورت می‌گیرد. مرد جوان‌تر شاید به اعتراض و با اشاره به خانه مادرش می‌گوید: «این ور پایه پل جزو شهر کوچصفهان است و آن سوی پل جزو دهستان بلسبنه. خانه من و مادرم فاصله کمی دارد ولی مادرم جزو حوزه شهر کوچصفهان است و من جزو دهستان بلسبنه».

از بالای جناق پل، آزادراه رشت به کوچصفهان پیداست در انتهای پل، آثاری از پله‌های سنگفرش شده تا بستر رود مشخص است و مرد ادامه می‌دهد: «قدیم که این اتوبان و جاده نبود، راه اصلی به سمت شرق گیلان و تا مازندران از همین جاد می‌شد» و با اشاره به شالیزار مقابل پل ادامه می‌دهد: «قدیمی‌ها می‌گفتند اینجا یک راه سنگفرشی داشت که کاروان‌ها و درشکه‌ها از آن عبور می‌کردند».

مرغانه پُرد، روستای لاله دشت، یکی از ده‌ها پل آجری در گیلان است که نشان می‌دهد، جاده سنگفرش معروف به «راه شاه عباسی» از کدام مسیر عبور می‌کرده است. راهی که دستور ساختش در زمان شاه عباس اول صفوی صادر شد تا به تجارت ابریشم کمک کند. این راه از شهر اردبیل آغاز می‌شد و با گذر از شهرهای گیلان یعنی آستارا، پونل، گسگر، صومعه‌سرا، رشت، کوچصفهان، نیاکو، آستانه، نالکیاشر، لنگرود، رودسر، تمیجان و دیگر شهرها و روستاهای گیلان ادامه یافته و به فرح‌آباد ساری در استان مازندران می‌رسید. بسیاری از پل‌های آجری در دوره صفویه ساخته و در دوره قاجار مرمت شده است. مصالح عمده این پل‌های تاریخی از «سنگ، آجر، آهک، ساروج، ملات‌های گچی و گاهی آهن و سرب» بوده است. اما در منابع علمی، به استفاده از تخم‌مرغ در مصالح اشاره‌ای نشده است. اینکه چرا به برخی از این سازه‌ها «مرغانه پُرد» می‌گفتند، بستگی به نوع معماری آن داشت.

در واقع اگر از بستر رود به پل بنگرید، طاق قوسی و شیب دار پل شبیه تخم‌مرغ است. این طاق‌های بلند به عبور و مرور قایق‌های حامل کالا و مسافر هم کمک می‌کرد. «مرغانه پُرد» روستای لاله‌دشت، در فهرست آثار ملی هم ثبت شده است.

بالای طاق قوسی پل، دو نفر دیگر از اهالی روستای «لاله‌دشت» با هم در گفت‌وگو هستند. شیب تند پل با سنگ‌های رودخانه‌ای پوشیده شده و من از روی سنگ‌های گرد و صیقلی بستر پل بالا می‌روم تا بیرسم چرا به این پل خشتی «مرغانه پُرد» (پل تخم‌مرغی) می‌گویند: «اینکه چرا می‌گویند، مرغانه پُرد، به‌خاطر این بود که با تخم‌مرغ‌های پیرزنی این پل را ساختند. حالا سفیده را می‌ریختند داخل ساروج و بندکشی می‌کردند یا زرده را نمی‌دانم. ما از قدیم این‌طوری شنیدیم». دیگری حرفش را می‌برد و می‌گوید: «من شنیده‌ام پیرزنی در این منطقه بوده که این پل خشتی را از پول فروش تخم‌مرغ‌هایش درست کرده. لابد مرغ زیاد داشته».

و این روایت چقدر برایم آشنا می‌نمود. ماجرای پیرزن و تخم‌مرغ‌هایش در ساخت پل خشتی شهر لنگرود و پونل و برخی دیگر از پل‌های خشتی گیلان هم دهان به دهان می‌چرخد. تا جایی که «محمد ابراهیم باستانی پاریزی» نیز در کتاب «خاتون هفت‌قلعه» به ماجرای پل‌های خشتی گیلان و تخم‌مرغ‌های پیرزن اشاره می‌کند، اما تفسیر او پل روی آب و تخم‌مرغ، به گونه دیگری است. باستانی پاریزی «پیرزن» را نماد زنی آگاه و دانا در نظر می‌گیرد که ارتباط تنگاتنگی با آب و آبادانی، و البته زایش و زندگی دارد و این زن دانا و قدرتمند کسی نیست جز «ایزدبانو آن‌هیتا» که جایگاه ویژه‌ای در اسطوره‌های ایرانی و فرهنگ عامه دارد.

مرد ماهیگیر، چشم به سکوت رودخانه دوخته بود تا شاید «کاسی» و یا «سیاکولی» به قلابش بیفتد و من از بالای جان‌پناه پل، پایه‌های پل خشتی و چهار موج شکن نیم دایره را درون آب می‌نگریستم که چگونه چندصدسال دوام آورده است. نزدیک به موج شکن جنوبی، خشت‌های مربعی فرو رفته پل، داخل آب دیده می‌شود و سر را که خم کردم، مرد ماهیگیر گفت: جان‌پناه این پل هم به‌طور کامل خراب شده بود. خیلی خطرناک بود. بعد از مرمت دوباره جان‌پناه را مثل اولش مرمت کردند.

و دیگری ادامه می‌دهد: «این خشت‌های داخل آب مال چندسال پیش است که میراث فرهنگی آمد و پل را مرمت کرد. این چهارتا موج شکن هم از بین رفته بود. رودخانه را که لایروبی کردند، دودهانه کوچک طرفین هم از زیر گل و لای

مرد، آبتک قلابش را میزان می‌کند و در آب کم‌جان رودخانه می‌اندازد. در حاشیه «مرغانه پُرد» انتظار و صبوری و چشم دوختن به آب دوباره آغاز می‌شود. با وجود بارش چند روز پیش، باز هم آب رودخانه «نورود» کم‌جان است؛ اما گذران روز تعطیل، با ماهی‌گیری آن هم زیر پل خشتی و تاریخی روستا، لطف دیگری دارد.

پل‌ها در جغرافیا پر آب گیلان، نقش مهمی در آمد و شد اهالی دارند

